Iran Varzeshi Newspaper

iranvarzeshii

www.INN.ir/sport

• دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵ • ۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
• سال سی‌ام • شماره ۸۱۹۴

ایران ورزشی

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
• رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل و مدیر مسئول : علی متقیان
• سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
• سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
• تلفن: ۱۴ ـ ۸۸۵۰۴۱۱۳ • نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳
• چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ ۸۸۵۰۱۳۰۰ ـ ۸۸۷۴۶۵۸۳
• امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ ـ ۸۸۵۲۱۹۵۴
• نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵

محرومیت و جریمه؛ راه‌حل یا مسکن موقت؟

کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال در سال‌های اخیر برای مقابله با خشونت، فحاشی و پرتاب اشیا، احکامی مانند محرومیت تماشاگران، جریمه باشگاه‌ها و در مواردی اعلام نتیجه ۳ بر صفر صادر کرده است؛ احکامی که هدف اصلی آنها تنبیه و ایجاد بازدارندگی است. اصل برخورد با رفتارهای خشونت‌آمیز قابل دفاع است، اما سؤال مهم اینجاست که آیا مجازات به‌تنهایی می‌تواند فرهنگ سکوها را اصلاح کند؟ واقعیت این است که تکرار اتفاقات مشابه نشان می‌دهد پاسخ انضباطی، هرچند ضروری، کافی نیست. وقتی متخلف شناسایی نمی‌شود و در نهایت باشگاه و بخش بزرگی از هواداران هزینه رفتار عده‌ای محدود را می‌پردازند، ممکن است احساس بی‌عدالتی نیز شکل بگیرد. جریمه و محرومیت باید در کنار شناسایی دقیق خاطیان، آموزش هواداران، بهبود شرایط ورزشگاه و حضور مؤثر مسئولان فرهنگی و انتظامی قرار گیرد.
اگر هدف، کاهش پایدار خشونت است، فوتبال ایران بیش از مجازات به یک برنامه پیشگیرانه و فرهنگی نیاز دارد؛ برنامه‌ای که سکو را از محل تخلیه خشم به بخشی از هویت مثبت باشگاه تبدیل کند.

نقل‌قول

امین کریمیان: سپاهان دیگر با هیچ باشگاهی درگیر نمی‌شود

معاون فرهنگی و ارتباطات باشگاه فولاد مبارکه سپاهان با اشاره به میزبانی ورزشگاه نقش جهان از شهرآورد تهران، بر تلاش این باشگاه برای کاهش تنش‌ها و حفظ آرامش در جریان این مسابقه تأکید کرد. امین کریمیان درباره رویکرد سپاهان در قبال سایر باشگاه‌ها و تلاش برای کاهش تنش‌ها در فوتبال اظهار کرد: «ما با هیچ تیم و هیچ باشگاهی درگیری نداریم. از سال گذشته رویه باشگاه را تغییر دادیم و تلاش کردیم وارد فضای تنش نشویم. ما تنها باشگاهی هستیم که نه برای کسی بیانیه دادیم، نه تکذیبیه‌ای منتشر کردیم و نه جوابیه‌ای دادیم.»
کریمیان درباره میزبانی ورزشگاه نقش جهان از شهرآورد تهران نیز گفت: «ورزشگاه نقش جهان سال‌ها درگیر کش‌وقوس، بلاتکلیفی و پروژه‌های نیمه‌تمام بود، اما شرکت فولاد مبارکه این پروژه‌ها را به سرانجام رساند و ساخت آن را تکمیل کرد. امروز این ورزشگاه متعلق به شرکت فولاد مبارکه و باشگاه سپاهان است و یکی از بهترین ورزشگاه‌های ایران محسوب می‌شود و چمن بسیار خوبی دارد.»
معاون فرهنگی و ارتباطات باشگاه سپاهان ادامه داد: «برای ما نگهداری و توسعه ورزشگاه نقش جهان اهمیت زیادی دارد. برگزاری دربی تهران از یک جهت باعث خوشحالی است که چنین ورزشگاهی در اختیار دو تیم بزرگ قرار گرفته است، اما از طرف دیگر باید تأسف خورد که چرا این دو باشگاه بزرگ طی سالیان گذشته نتوانسته‌اند ورزشگاه مناسبی برای میزبانی مسابقات خود داشته باشند و همیشه یکی از دغدغه‌های ما همین موضوع است.»
وی با اشاره به نگرانی سپاهان از احتمال آسیب به ورزشگاه در جریان دربی تهران تصریح کرد: «ما نگران هستیم که در جریان مسابقه یا پس از آن اتفاقی برای ورزشگاه رخ دهد و به زیرساخت‌ها آسیب وارد شود. بعد از مشخص شدن میزبانی، با دوستان‌مان در باشگاه استقلال صحبت کردیم و خواستیم ضمانت‌های لازم را در این زمینه در نظر بگیرند.»
کریمیان خاطرنشان کرد: «طبیعتاً باید یک سازوکار حقوقی مشخص وجود داشته باشد؛ اینکه اگر صندلی‌های ورزشگاه شکسته شد یا به بخش‌های مختلف استادیوم آسیبی وارد شد، مسئولیت آن مشخص باشد و خسارت‌ها جبران شود. برای ما اصل موضوع این است که ورزشگاه نقش جهان پس از برگزاری این مسابقه بدون آسیب جدی تحویل داده شود.»
وی در پایان تأکید کرد: «ما تلاش می‌کنیم میزبانی شایسته‌ای داشته باشیم و امیدواریم هواداران دو تیم نیز به ورزشگاه و امکانات آن احترام بگذارند تا این مسابقه در فضایی آرام برگزار شود و نقش جهان بدون حاشیه و آسیب، میزبان یک شهرآورد بزرگ باشد.»

واکنش

بهمنی: هوادار باید احساس کند ورزشگاه، خانه اوست

حجت‌الله بهمنی، مدیر روابط عمومی و امور فرهنگی سازمان لیگ، با تأکید بر نقش تعیین‌کننده کیفیت محیط در رفتار تماشاگران، گفت: «اصلاح جو ورزشگاه‌ها و کنترل رفتارهای نامناسب، بیش از هر چیز نیازمند توجه به زیرساخت‌ها، استانداردسازی و نگاه فرهنگی است.»
بهمنی با اشاره به اینکه رفتار هوادار تا حد زیادی از فضایی که در آن قرار می‌گیرد تأثیر می‌پذیرد، اظهار کرد: «زمانی که تماشاگر وارد ورزشگاه می‌شود و با صندلی‌های خراب یا آلوده، کمبود امکانات اولیه یا نبود جایگاه مشخص مواجه می‌شود، طبیعی است که میزان نارضایتی او افزایش یابد. هوادار باید احساس کند که ورزشگاه، خانه اوست و برای حضورش ارزش و احترام قائل شده‌اند.» به گفته وی، از حدود دو سال پیش، سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال روند استانداردسازی ورزشگاه‌ها را به‌صورت جدی دنبال کرده‌اند تا محیطی مناسب و در شأن هواداران فراهم شود. او افزود: «ورزشگاه تنها محل برگزاری یک مسابقه فوتبال نیست، بلکه فضایی اجتماعی است که هزاران نفر از اقشار مختلف جامعه در آن حضور می‌یابند؛ از این‌رو، برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای ناهنجار، باید رویکردی فرهنگی و مدیریتی در پیش گرفت و به برخوردهای مقطعی اکتفا نکرد. ما و دوستان‌مان در سازمان لیگ از سالیان گذشته، با اقداماتی عمرانی همچون بازسازی ورزشگاه‌ها، گیت‌های ورودی و صدالبته فراهم شدن زمینه حضور بانوان در ورزشگاه، سعی کردیم مشکلات اجتماعی ورزشگاه‌ها را به حداقل برسانیم و ثمره آن را امروز در ورزشگاه‌ها می‌بینیم. از زمان ورود بانوان به ورزشگاه، بسیاری از مشکلات قبلی به واسطه حضور خانواده‌ها رفع شده و مدیریت و سازماندهی خودمختار را در سکوهای ورزشگاه شاهد هستیم.»
مدیر روابط عمومی و امور فرهنگی سازمان لیگ همچنین بر ضرورت تدوین قانون حمایت از هواداران فوتبال تأکید کرد و گفت: «در بسیاری از کشورهای صاحب فوتبال، حقوق و مسئولیت‌های هواداران به‌طور دقیق تعریف شده است.»

بازخوانی خشونت تماشاگران و چالش فرهنگ هواداری باشگاه‌های فوتبال ایران

محرومیت نسخه فرهنگ‌سازی نیست

گزارش ویژه

محمدرضا رحیم‌پور
خبرنگار

برگزاری بازی‌های حساس و سرنوشت‌ساز فوتبال ایران بدون حضور تماشاگر، یکی از تلخ‌ترین تصاویر فوتبال باشگاهی است؛ تصویری که در آن سکوهای خالی، بیش از آنکه نشانه نظم و امنیت باشند، گاهی روایتگر شکست سیاست‌های فرهنگی و مدیریتی در قبال هواداران‌اند. فوتبال، بدون صدای سکوها، بدون تشویق و اعتراض و بدون آن شور جمعی که بخش مهمی از هویت این ورزش را می‌سازد، چیزی کم دارد. فیفا و نهادهای بین‌المللی فوتبال نیز همواره بر اهمیت حضور تماشاگران و نقش آنان در جذابیت مسابقات تأکید داشته‌اند. ولی در فوتبال ایران بارها شاهد محرومیت باشگاه‌ها از حضور تماشاگران به دلیل احکام انضباطی بوده‌ایم؛ احکامی که در مواردی اجتناب‌ناپذیرند، اما نمی‌توانند پاسخ نهایی به مسأله‌ای باشند که ریشه‌های آن بسیار عمیق‌تر از یک تخلف در نود دقیقه مسابقه است.
مسأله را نمی‌توان صرفاً به چند هوادار خاطی، یک درگیری، چند فحاشی یا پرتاب چند بطری و سنگ تقلیل داد. پشت بسیاری از این رفتارها، مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی و روان‌شناختی قرار دارد؛ عواملی که در طول سال‌ها نادیده گرفته شده‌اند و اکنون در ورزشگاه‌ها خود را به شکل خشم، پرخاشگری و خشونت نشان می‌دهند. اگر قرار است درباره خشونت تماشاگران صحبت کنیم، باید از سطح «چه کسی تخلف کرد؟» فراتر برویم و بپرسیم، چرا بخشی از فرهنگ هواداری به جایی رسیده است که ابتدایی‌ترین اصول حضور در یک رویداد ورزشی نیازمند تذکر رسمی باشگاه‌هاست؟
سال گذشته، زمانی که باشگاه تراکتور برای احراز شانس میزبانی خود در آسیا از هوادارانش خواست در برابر نمایندگان کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) «خویشتن‌داری و تاب‌آوری لازم» را داشته باشند، بخشی از عمق این چالش آشکار شد. از هواداران خواسته شد فحاشی نکنند، اشیا و سنگ به زمین پرتاب نکنند، به داور توهین نکنند، بطری به سمت بازیکنان حریف نیندازند و برای برهم زدن تمرکز رقیب از لیزر استفاده نکنند.
این توصیه‌ها در نگاه نخست ساده‌اند؛ آنقدر ساده که شاید طرح دوباره آنها در یک ورزشگاه حرفه‌ای عجیب به نظر برسد. اما همین سادگی، اتفاقاً مسأله را جدی‌تر می‌کند. وقتی یک باشگاه ناچار است پیش از یک مسابقه بین‌المللی، ابتدایی‌ترین قواعد رفتار مدنی در ورزشگاه را به هواداران خود یادآوری کند، دیگر نمی‌توان موضوع را صرفاً یک تخلف انضباطی دانست. اینجا با یک مسأله فرهنگی مواجهیم؛ مسأله‌ای که با محرومیت یک یا دو جلسه‌ای تماشاگران از ورود به ورزشگاه از بین نمی‌رود.

خشونت تماشاگران از کجا می‌آید؟

از دیدگاه علمی، خشونت تماشاگران به هرگونه رفتار فیزیکی، کلامی یا نمادین گفته می‌شود که با هدف آسیب‌رسانی، تهدید، ارعاب یا ایجاد اختلال در محیط ورزشی از سوی تماشاگران بروز می‌کند. درگیری فیزیکی، تخریب اموال، توهین، تهدید، رفتارهای تبعیض‌آمیز، پرتاب اشیا و اقدامات آشوبگرانه، تنها برخی از اشکال این پدیده‌اند. پیامدهای آن نیز صرفاً به همان لحظه مسابقه محدود نمی‌شود؛ خشونت می‌تواند امنیت جانی و روانی افراد را تهدید کند، خسارت اقتصادی به‌جا بگذارد، اعتبار باشگاه‌ها را کاهش دهد و حتی آینده برگزاری مسابقات را تحت تأثیر قرار دهد.
خشونت تماشاگران محصول صرف رقابت ورزشی نیست. فوتبال ممکن است جرقه باشد، اما الزاماً سوخت آن را تولید نمی‌کند. تعصب شدید نسبت به تیم محبوب، ناکامی در مسابقات حساس، تصمیمات بحث‌برانگیز داوری، تحریک هواداران از سوی برخی بازیکنان، مربیان یا رسانه‌ها، ضعف آموزش هواداری، ازدحام، گرمای بیش از حد، شرایط نامناسب ورزشگاه، مدیریت ضعیف جمعیت، رقابت‌های تاریخی و محلی، مصرف مواد محرک و نبود سازوکارهای بازدارنده مؤثر، همگی می‌توانند تنش را افزایش دهند.
بر این اساس نسبت دادن همه خشونت‌ها به «تماشاگر خاطی» ساده‌ترین و در عین حال کم‌فایده‌ترین توضیح ممکن است.
برخی پژوهشگران خشونت را بر اساس شیوه بروز به دو نوع کلامی و فیزیکی تقسیم می‌کنند؛ تهدید، تمسخر، جنجال و توهین در دسته نخست و درگیری و آسیب جسمی در دسته دوم قرار می‌گیرند. ولی دانینگ و همکارانش در دانشگاه لستر بر ساده‌انگارانه بودن چنین تقسیم‌بندی‌هایی تأکید دارند. این نکته برای فوتبال ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. همه رفتارهای خشن ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی نیستند. برخی از آنها در طول زمان شکل می‌گیرند، در فضای هواداری بازتولید می‌شوند و حتی به بخشی از هویت گروهی تبدیل می‌شوند. بنابراین، نمی‌توان فقط پس از وقوع حادثه وارد میدان شد. مدیریت واقعی، پیش از حادثه آغاز می‌شود.

> هوادار باید بداند که می‌تواند از تصمیم داور عصبانی باشد، به عملکرد بازیکن اعتراض کند، از شکست تیمش ناراحت شود و حتی صدای اعتراض خود را بلند کند؛ اما اعتراض با تخریب، هیجان با خشونت و هواداری با دشمنی تفاوت دارد. فوتبال بدون تماشاگر فوتبالی ناقص است؛ اما فوتبال با تماشاگر خشن نیز آینده‌ای پایدار ندارد

فوتبال ایران؛ از تئوری تا عمل

در ایران، خشونت هواداران یکی از چالش‌های قدیمی مدیریت رویدادهای ورزشی، به‌ویژه فوتبال بوده است. درگیری‌های کلامی، رفتارهای پرخاشگرانه، پرتاب اشیا به زمین، تخریب اموال عمومی و گاه درگیری‌های فیزیکی میان هواداران، بخشی از این تصویر را تشکیل می‌دهند. فدراسیون، باشگاه‌ها و نهادهای مسئول طی سال‌های گذشته تلاش‌هایی برای کنترل این وضعیت انجام داده‌اند؛ از افزایش نظارت و بهبود زیرساخت‌ها گرفته تا تدوین مقررات انضباطی و اجرای محرومیت‌ها. اما مشکل آنجاست که بخش قابل توجهی از این اقدامات همچنان ماهیتی واکنشی دارند. حادثه رخ می‌دهد، پرونده تشکیل می‌شود، حکم صادر می‌شود و ورزشگاه برای مدتی خالی می‌ماند؛ سپس همه‌چیز به روال سابق بازمی‌گردد تا حادثه بعدی.
محرومیت ورزشگاه‌ها از حضور تماشاگر که در مقاطعی برای دیدارهای حساس از جمله مسابقات پرسپولیس و تراکتور اعمال شده، ممکن است در شرایط خاص اقدامی ضروری باشد، اما نباید تصور کرد که چنین حکمی به خودی خود فرهنگ هواداری را اصلاح می‌کند. ورزشگاه خالی شاید صدای خشونت را موقتاً خاموش کند، اما الزاماً خشم تولیدکننده آن را از بین نمی‌برد.

چاره چیست؟

اگر خشونت تماشاگران را پدیده‌ای چندعاملی بدانیم، راه‌حل نیز باید چندلایه باشد. باشگاه‌ها، فدراسیون‌ها، رسانه‌ها و نهادهای آموزشی باید هرکدام سهم خود را بپذیرند.

فرهنگ‌سازی باید از مدارس آغاز شود

آموزش شهروندی، احترام به رقیب، پذیرش شکست، کنترل هیجان و مدیریت خشم نباید نخستین‌بار در ورزشگاه به کودک و نوجوان آموخته شود. اگر قرار است نسل آینده هواداری مسئولانه داشته باشد، آموزش باید از مدرسه آغاز شود. فوتبال می‌تواند فرصتی برای آموزش رقابت سالم باشد؛ جایی که بردن مهم است، اما شکست نیز بخشی پذیرفتنی از بازی است.

> فوتبال ایران به ورزشگاه‌های پر از تماشاگر نیاز دارد؛ اما نه ورزشگاه‌هایی که در آنها خشم بر شادی غلبه کند. هدف باید این باشد که هواداران با شور و شوق، نه با کینه و خشونت، به استقبال تیم محبوب خود بروند

رسانه‌ها باید مسئولیت خود را بپذیرند

رسانه ورزشی فقط روایتگر هیجان نیست؛ خود می‌تواند تولیدکننده یا تشدیدکننده آن باشد.
استفاده از ادبیات تقابلی، برجسته کردن دشمنی میان هواداران، بزرگنمایی حواشی و تبدیل مسابقه به نبرد «ما و آنها» می‌تواند مرزهای رقابت سالم را جابه‌جا کند. رسانه‌ها و تلویزیون می‌توانند به جای دامن زدن به حساسیت‌های کاذب، احترام به رقیب، اخلاق ورزشی و معرفی الگوهای مثبت هواداری را برجسته کنند.

باشگاه‌ها باید مسئولیت اجتماعی‌شان را بپذیرند

باشگاه حرفه‌ای فقط مجموعه‌ای برای خرید بازیکن، پرداخت دستمزد و کسب جام نیست. هوادار بخشی از سرمایه اجتماعی باشگاه است. تشکیل کانون‌های هواداری فعال، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، ارتباط مستمر با هواداران و تشویق رفتارهای مسالمت‌آمیز می‌توانند به تدریج فرهنگ سکوها را تغییر دهد. فرهنگ هواداری باید یک برنامه دائمی باشد، نه یک بیانیه اضطراری پیش از مسابقه.

ورزشگاه در تولید تنش نقش دارد

نمی‌توان تمام مسئولیت را متوجه تماشاگر کرد. ورزشگاه نامناسب، ازدحام، تهویه ضعیف، امکانات رفاهی ناکافی، مشکلات ورود و خروج و مدیریت نامناسب جمعیت می‌تواند زمینه تنش را افزایش دهد. بهبود صندلی‌ها، مسیرهای دسترسی، امکانات رفاهی، مدیریت ورود و خروج و استفاده از مددکاران اجتماعی و متخصصان روان‌شناختی می‌تواند بخشی از راه‌حل باشد.

عدالت داوری و شفافیت

احساس بی‌عدالتی یکی از محرک‌های مهم خشم هواداران است. استفاده مؤثر از فناوری‌هایی مانند VAR، آموزش مستمر داوران و افزایش شفافیت درباره تصمیمات بحث‌برانگیز می‌تواند از شدت اعتراض‌ها بکاهد. البته هیچ فناوری‌ای اختلاف نظر را از فوتبال حذف نمی‌کند؛ هدف، افزایش اعتماد و کاهش احساس بی‌عدالتی است.

قانونگرایی هوشمند

فرهنگ‌سازی نباید به معنای چشم‌پوشی از تخلف باشد. رفتار خشونت‌آمیز باید با واکنش قانونی و انضباطی مواجه شود، اما این برخورد باید تا حد امکان هدفمند و عادلانه باشد. شناسایی متخلفان، ممنوعیت ورود، جریمه و مجازات‌های متناسب می‌تواند جایگزین مناسبی برای محرومیت‌های گسترده باشد؛ هرجا که امکان اجرایی آن وجود دارد.

در مقابل، رفتار هواداران نمونه نیز باید دیده و تشویق شود. اگر همیشه فقط درباره «هوادار خاطی» صحبت کنیم، تصویری ناقص از جامعه هواداری ارائه داده‌ایم. میلیون‌ها هوادار در فوتبال ایران بدون خشونت به ورزشگاه می‌روند، تیمشان را تشویق می‌کنند و پس از پایان مسابقه به خانه بازمی‌گردند. همین گروه می‌تواند پایه بازسازی فرهنگ هواداری باشد.

ورزشگاه خالی؛ نشانه‌ای فراتر از فوتبال

ورزشگاه خالی را نمی‌توان صرفاً یک تصمیم ساده انضباطی دانست. در برخی موارد، خالی شدن سکوها نشانه‌ای از مشکلات عمیق‌تر در فرهنگ هواداری و مدیریت اجتماعی ورزش است.
وقتی باشگاهی برای میزبانی در یک رقابت مهم ناچار می‌شود از هوادارانش بخواهد سنگ و بطری پرتاب نکنند، فحاشی نکنند و از لیزر استفاده نکنند، مسأله دیگر فقط یک مسابقه فوتبال نیست. اینجا شیوه مواجهه ما با هیجان، اعتراض، رقابت و حتی شکست زیر سؤال می‌رود.
سرمایه‌گذاری روی فوتبال فقط خرید بازیکن، ساخت ورزشگاه و هزینه‌های فنی نیست. یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های فوتبال، تماشاگر است؛ تماشاگری که اگر آموزش ببیند و در ساختار باشگاه مشارکت داده شود، می‌تواند پشتوانه‌ای عاطفی، اجتماعی و حتی اقتصادی برای تیم خود باشد. اما اگر نادیده گرفته شود، همین سرمایه اجتماعی می‌تواند به یکی از منابع تنش تبدیل شود.
فوتبال ایران به ورزشگاه‌های پر از تماشاگر نیاز دارد؛ اما نه ورزشگاه‌هایی که در آنها خشم بر شادی غلبه کند. هدف باید این باشد که هواداران با شور و شوق، نه با کینه و خشونت، به استقبال تیم محبوب خود بروند و ورزشگاه دوباره به خانه امن هیجان، رقابت و شادی تبدیل شود.
مسأله اصلی این نیست که چگونه ورزشگاه را خالی کنیم؛ مسأله این است که چگونه آن را دوباره پر کنیم، بدون آنکه امنیت و کرامت انسان‌ها قربانی هیجان مسابقه شود.
سرمایه فوتبال، همان تماشاگر است و این سرمایه ارزش آن را دارد که برایش هزینه کنیم؛ اما این هزینه نباید فقط صرف نیروهای امنیتی، دوربین‌های نظارتی و مجازات‌های انضباطی شود. مهم‌تر از آن، باید برای فرهنگ، آموزش، اعتماد، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حفظ کرامت هوادار سرمایه‌گذاری کرد.
فوتبال زمانی می‌تواند یکی از مهم‌ترین عرصه‌های نشاط، همبستگی و سرمایه اجتماعی باشد که هواداری از تیم محبوب، بهانه‌ای برای نفرت از دیگری نباشد. سکوهای فوتبال می‌توانند محل فریاد، هیجان و اعتراض باشند؛ اما این فریاد نباید به خشونت تبدیل شود.
اگر امروز مسئولان یک باشگاه ناچارند به هواداران خود یادآوری کنند که فحاشی نکنند، سنگ و بطری پرتاب نکنند و از لیزر استفاده نکنند، باید این هشدار را جدی‌تر از یک تذکر انضباطی دید.
اینها نشانه‌های مسأله‌ای گسترده‌ترند؛ مسأله‌ای که پاسخ آن نه در خاموش کردن موقت سکوها، بلکه در بازسازی فرهنگ هواداری است.

برش

راه‌حل فقط نقره داغ هواداران نیست

محروم کردن تماشاگران از حضور در ورزشگاه می‌تواند در کوتاه‌مدت ابزار کنترل یک چالش باشد، اما نمی‌تواند جایگزین فرهنگ‌سازی شود. اگر هر بار پس از یک تخلف، سکوها را خالی کنیم، در واقع با نشانه بیماری برخورد کرده‌ایم، نه با ریشه آن. مشکل اساسی اینجاست که محرومیت جمعی، در مواردی هوادار قانون‌مدار را نیز در کنار متخلف مجازات می‌کند. ممکن است ده‌ها هزار نفر رفتار مسئولانه داشته باشند، اما به دلیل رفتار گروهی محدود، از تماشای مسابقه محروم شوند. چنین رویکردی اگرچه گاه از نظر انضباطی ضروری است، اما وقتی به راه‌حل دائمی تبدیل شود، می‌تواند احساس بی‌عدالتی و نارضایتی را افزایش دهد. راه‌حل اصلی، فرهنگ‌سازی و آموزش هواداری است؛ فرهنگی که در آن حمایت از تیم محبوب با تشویق، احترام و رقابت سالم معنا پیدا کند، نه با فحاشی، تخریب و خشونت. هوادار باید بداند که می‌تواند از تصمیم داور عصبانی باشد، به عملکرد بازیکن اعتراض کند، از شکست تیمش ناراحت شود و حتی صدای اعتراض خود را بلند کند؛ اما اعتراض با تخریب، هیجان با خشونت و هواداری با دشمنی تفاوت دارد. فوتبال بدون تماشاگر، فوتبالی ناقص است؛ اما فوتبال با تماشاگر خشن نیز آینده‌ای پایدار ندارد. مسأله نباید انتخاب میان «تماشاگر» و «امنیت» باشد. هدف باید ساختن فرهنگی باشد که این دو را در کنار هم قرار دهد.

بازدارندگی؛ گمشده در فوتبال ایران

یادداشت

رسول باختر
کارشناس حقوقی

بازدارندگی یکی از مهم‌ترین اهداف تنبیه و مجازات در نظام‌های حقوقی و همچنین ساختارهای انضباطی ورزش است؛ اما وقتی به فضای فوتبال ایران نگاه می‌کنیم، به نظر می‌رسد این هدف بیش از هر زمان دیگری از دسترس خارج شده است. احکام انضباطی صادر می‌شوند، اعتراض‌ها شکل می‌گیرند و در نهایت، به جای آنکه رأی انضباطی به کاهش تنش و جلوگیری از تکرار تخلف منجر شود، گاهی خود به عاملی تازه برای افزایش حاشیه‌ها تبدیل می‌شود.
مشکل اصلی اینجاست که تقریباً هر رأی انضباطی با واکنش منفی یکی از طرفین مواجه می‌شود. تیم یا فرد محکوم‌شده، رأی را ناعادلانه می‌داند، از توطئه و جانبداری سخن می‌گوید و هواداران نیز در فضای رسانه‌ای و مجازی به این اعتراض‌ها دامن می‌زنند. در چنین شرایطی، اگر رأی صادرشده از پشتوانه اعتماد عمومی برخوردار نباشد، نه‌تنها اثر بازدارنده خود را از دست می‌دهد، بلکه ممکن است زمینه‌ساز تنش‌های بعدی شود.
البته بخشی از این مشکل به سابقه اجرای قوانین در فوتبال ایران بازمی‌گردد. اگر کمیته‌های اخلاق و انضباطی طی سال‌های گذشته با استقلال، ثبات، قاطعیت و یکسانی بیشتری با تخلفات برخورد می‌کردند، امروز بازیکن، مربی و مدیر باشگاه، محرومیت و جریمه را یک تهدید واقعی و قابل محاسبه تلقی می‌کرد. برخوردهای مقطعی و گاه سلیقه‌ای، این تصور را ایجاد کرده که هزینه تخلف چندان سنگین نیست و می‌توان با اعتراض، فشار رسانه‌ای یا فرجام‌خواهی، از تبعات آن کاست.
در این میان اما برخی احکام نیز چنان عجیب هستند که نه‌تنها با هدف بازدارندگی همخوانی ندارند، بلکه پرسش‌های جدی درباره شیوه تصمیم‌گیری ایجاد می‌کنند. نمونه قابل تأمل، رأی مربوط به دیدارهای رفت و برگشت پرسپولیس و سپاهان و تصمیم برای برگزاری مسابقات با حضور صرفاً بانوان است؛ تصمیمی که فارغ از هرگونه قضاوت درباره نیت صادرکنندگان آن، از منظر افکار عمومی نیازمند توضیح روشن و اقناع‌کننده است.
آیا حذف تماشاگران از یک مسابقه، آن هم در شرایطی که فوتبال اساساً بر پایه حضور هوادار و شور سکوها شکل گرفته، بهترین ابزار برای اصلاح رفتار است؟ آیا نمی‌توان به جای تنبیه گسترده و محروم کردن بخش بزرگی از هواداران، متخلفان را شناسایی و مستقیماً با آنها برخورد کرد؟ به نظر می‌رسد پاسخ را باید در تغییر رویکرد جست‌وجو کرد. یک حرکت اصلاحی هدفمند می‌تواند تأثیری به مراتب بیشتر از احکام انضباطی گسترده و برگزاری مسابقات بدون تماشاگر داشته باشد. اگر تخلف از سوی گروه مشخصی از هواداران رخ داده است، چرا باید هزینه آن را هزاران تماشاگر دیگر بپردازند؟
بازدارندگی واقعی زمانی شکل می‌گیرد که فرد بداند تخلف او با واکنشی قطعی، سریع، متناسب و قابل پیش‌بینی روبه‌رو خواهد شد. در چنین شرایطی، نه شدت مجازات به‌تنهایی تعیین‌کننده است و نه تعداد احکام صادرشده؛ بلکه قطعیت اجرای قانون است که می‌تواند رفتارها را تغییر دهد.
فوتبال ایران بیش از صدور احکام متعدد، به یک نظام انضباطی قابل اعتماد نیاز دارد؛ نظامی که هم در برابر تخلف قاطع باشد و هم میان مجازات و تخلف تناسب برقرار کند. اگر قرار است احکام انضباطی نقش بازدارنده داشته باشند، باید به جای آنکه صرفاً پایان یک پرونده باشند، آغاز اصلاح یک رفتار تلقی شوند.
در غیر این صورت، ممکن است هر هفته رأی جدیدی صادر شود، محرومیت جدیدی اعمال شود و جریمه‌های تازه‌ای روی میز قرار گیرد؛ اما در نهایت، آنچه باقی می‌ماند همان چیزی است که امروز با آن مواجهیم؛ فوتبالی پرتنش، هوادارانی معترض و مجازات‌هایی که دیگر کسی از آنها نمی‌ترسد.